ایران

• سه‌شنبه ۱۱ شهریور ۱۴۰۴
• ۹ ربیع‌الاول ۱۴۴۷
• ۲ سپتامبر ۲۰۲۵
• سال سی‌ویکم
• شماره ۸۸۲۵
• ۲۰ صفحه
• قیمت در سراسر کشور: ۱۰۰۰۰ تومان

Iran Newspaper
ISSN1027-1449
Keytitle: IRAN (Tehran)
irannewspaper.ir

گزارش عملکرد سالانه سازمان برنامه و بودجه کشور

تحقق اهداف توسعه‌ای در سال اول دولت چهاردهم

۱۶

روایت یک هم‌افزایی با نگاهی به کارنامه یک ساله معاونت حقوقی رئیس‌جمهور

سال تثبیت حکمرانی حقوقی

۱۸

یک سال با آبَروزارتخانه اقتصادی

از رشد ۵۲ درصدی درآمد مالیاتی تا تأمین مالی ۱۸۰۰ هزار میلیارد تومانی

۱۶ ۱۷

پیام رهبر فرزانه انقلاب در پی قهرمانی تیم ملی والیبال جوانان ایران در جهان:

دل ملت ایران را شاد کردید

۲

رئیس جمهوری ابتکارات ایران برای جهان عادلانه‌تر را تشریح کرد

ساز و کار مقابله با تحریم روی میز شانگهای

ایران برای حل دیپلماتیک برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای آمادگی دارد

تحلیل رسانه‌های غربی از حضور قدرت‌های بزرگ جهانی در اجلاس تیانجین
جهان به سمت چندجانبه‌گرایی در حال حرکت است

«ایران» در گفت‌وگو با حامد وفایی استاد دانشگاه تهران
اهداف و ابعاد حضور رئیس‌جمهوری در اجلاس سران شانگهای را بررسی می کند
کانال‌های اختصاصی چین برای ایران در «پساجنگ»

President.ir

۲ ۴ ۵

معاون اول رئیس‌جمهور در جمع مدیران صدا و سیما:

جایگاه رسانه ملی باید ارتقا یابد

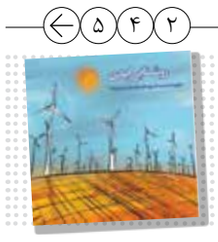

هشتمین کتابچه رایگان «ایران» به مناسبت هفته دولت منتشر شد

۳

بیش از ۲۵۰ رسانه در ۷۰ کشور جهان روز اول سپتامبر صفحه اول خود را در اعتراض به کشتار روزنامه‌نگاران و خبرنگاران توسط رژیم اشغالگر در غزه خالی گذاشتند یا به تصاویر این خبرنگاران اختصاص دادند. «ایران» با توجه به تعطیلی روز دوشنبه در اولین شماره خود به این پویش پیوسته و بخشی از صفحه اول خود را به این خبرنگاران شهید اختصاص می دهد با این پیام که:

«با این سرعت که خبرنگاران توسط ارتش اسرائیل در غزه کشته می‌شوند به زودی هیچ کسی باقی نخواهد ماند که شما را [از جنایات اسرائیل] مطلع کند.»

#ProtectJournalistsInGaza
#LetReportersIntoGaza

یادداشت یک

فرهنگ مقاومت‌ساز در سایه فراموشی

علی ربیعی
دستیار اجتماعی رئیس‌جمهور

فرهنگ یکی از پربسامدترین واژه‌ها است که نه تنها در حوزه ادبی، بلکه در بقیه حوزه‌ها از جمله اجتماع و اقتصاد هم کاربرد ویژه‌ای دارد. این واژه در حوزه سیاست آنچنان به کار گرفته می‌شود که با مرزبندی خطوط سیاسی، موضوع جناح‌بندی‌ها، گرایش‌ها و تعارضات سیاسی می‌شود.

در کشور ما با واژه‌هایی چون تهاجم فرهنگی، تغییرات ارزشی تعیین کننده گرایش‌های سیاسی روبه‌رو هستیم.

نکته جالب اینجاست که پس از پیروزی انقلاب، نقطه اتکای سیاست‌گذاران بحث فرهنگ بود که تصور می‌شد از پیچ و خم‌ها و لایه‌های فرهنگ بیشترین اطلاع را دارند و نقطه قوت حکمرانی به حساب می‌آمد.

برخلاف تصور یاد شده، فرهنگ در سال‌های اخیر نه تنها عامل انسجام حاکمیت-جامعه و جامعه-جامعه نبود بلکه درک سیاست‌های فرهنگی رسمی و عدم پذیرش فرهنگ جاری در میان مردم موجب شکاف‌های عمیق و حتی ناآرامی‌های اجتماعی هم شده است.

برای درک چرایی این اتفاق، نیازمند تحلیل‌های فراوان هستیم اما آنچه که در نگاه اول به نظر می‌رسد یکی از این دلایل، نه تنها نادیده انگاشتن بخش بزرگی از فرهنگ ایران، بلکه سیاست‌های حذف و هضم فرهنگی از صدا و سیما گرفته تا کتب مورد تدریس در آموزش و پرورش و حتی مناسبت‌های تقویمی است.

دومین دلیل مهم، سیاست‌گذاری فرهنگی به مثابه مهندسی کردن فرهنگ جامعه و انسان‌ها بود. اساساً فرهنگ نه امری مهندسی‌پذیر بلکه پروسه‌ای است که با تولید از درون‌مایه فرهنگی چه ملی چه مذهبی دوام، بقا و پویایی می‌یابد. با وجود تشکیلات متعددی که به نام فرهنگ در کشور ایجاد شده است با خروجی‌هایی که عمدتاً سلبی، کم‌اثر و کم‌ارزش هستند، چشم‌انداز امیدبخشی برای تغییر روندها دیده نمی‌شود.

بهانه این یادداشت، چرایی و چگونگی شکل گرفتن فرهنگ انسجام بخش مقاومت در مقابل تجاوز اخیر به میهن و سرزمین‌مان است.

با وجود آنکه مدت‌ها پیش از حمله از طریق بمباران و موشک و حتی با شدتی بیشتر، تهاجم به ذهنیت ایرانیان برای شکستن مقاومت ذهنی و فیزیکی صورت می‌گرفت؛ اما حتی در میانه خون، آتش، ترور و موشک «فرهنگ ملی» به طور حیرت‌انگیزی بازدارنده شد.

حتی سنجش‌های پس از جنگ نیز در بیان علل این مقاومت، بحث «ایران» را چشمگیر دانسته‌اند.

در این میان چند نکته قابل تأمل وجود دارد که نباید در سیاست‌گذاری‌ها، به آنها بی‌اعتنا شده و باز بر طبل «مسیرهای طی شده» کوبیده شود.

امروز باید اندیشید چه چیزی در جامعه ایران وجود داشت که در مقابل تجاوز، کانون محوری مقاومت شد.

بدون تردید عناصر فرهنگی، زبانی و قدرت معنایی نهفته در فرهنگ کهن از داستان‌سرایی، روایت‌های تاریخی، شعر، ادبیات، موسیقی و حتی فرهنگ آمیخته شده با نمادهای دینی از عناصر پدیدآورنده این قدرت معنایی مقاومتی بودند. به تعبیر برخی اندیشمندان حتی نقاشی‌ها، کتیبه‌ها، خطوط علیرضا عباسی و دیگران و روایت‌هایی از شاهنامه، همه و همه قهرمانان ایران زمین هستند که همواره با تنوع فرهنگی‌شان در دل بحران‌ها سربرکشیده‌اند. به‌خاطر داشته باشیم که در قرون گذشته نیز همین عناصر ایران را تاکنون استوار نگه داشته‌اند.

درس بزرگ دیگر، این آموزه بود که به تعبیری کشور فقط مرز جغرافیایی نیست، بلکه بدون مردم فقط یک سرزمین برهوت است.

متأسفانه این روزها آنها که وظیفه دارند، گویی به تنظیمات کارخانه برگشته‌اند، چقدر زود دچار فراموشی شده‌اند با آنکه هنوز سایه شر بر سر ایران است.

باید با قدرشناسی از جامعه شگفتی‌ساز، روایتی انسانی از این مقاومت میهنی بیان شود.

در پی این نمایش ملی، متأسفانه خبری از هنر و ادبیات مقاومت متکی بر زمینه تاریخی از فرهنگ ایران نیست. اگر نگرانی از روزهای بحران وجود دارد باید به علل انسجام در این دفاع میهنی اندیشید. این یک وظیفه ملی است. فراموش کردن‌ها، نادیده‌انگاری‌ها، برگشتن به نزاع‌های پوچ قدرت‌طلبانه، تحلیل‌های بی‌محتوا و تخریب این و آن، جفا به ایرانی است که در پیچیده‌ترین شرایط تاریخی خود به سر می‌برد.

حسب حال

اسرائیل بزرگ یا پایان صهیونیسم؟ صهیونیسم-مسیحی (۳)

سید عطاءالله مهاجرانی

صهیونیست‌ها برای تحقق ایده و یا آرمان اسرائیل بزرگ به آمریکا تکیه مطلق دارند. بدون آمریکا و بدون کمک‌های تسلیحاتی، فنی، مالی، سیاسی و تبلیغاتی آمریکا، اسرائیل نمی‌تواند دوام بیاورد. چنان که نتانیاهو در همان سفری که سال ۲۰۱۵ زمان اوباما به آمریکا رفت و اوباما حاضر نشد با او ملاقات کند، روز سوم ماه فوریه ۲۰۱۵ در کنگره آمریکا سخنرانی کرد. در سخنرانی‌اش که موضوعش ایران بود، نزدیک به ۱۰۰ بار نام ایران را تکرار کرد! نمایندگان کنگره هم در سخنرانی ۴۳ دقیقه ای۴۰ بار برایش قیام کردند، کف زدند و نشان دادند که کنگره آمریکا در حقیقت ماهیت و جهت صهیونیستی دارد. تا به امروز چنین استقبالی از رئیس جمهوری آمریکا در کنگره به عمل نیامده است. گویی نمایندگان می‌دانستند که حمایت لابی مالی و تبلیغاتی صهیونیستی از آنان در انتخابات آینده کنگره به نشان دادن اشتیاقشان و کف زدن‌های بی‌پایان برای نتانیاهو نسبت دارد. نکته قابل توجه این بود که سفر نتانیاهو به دعوت دولت انجام نشده بود. او به دعوت کنگره به آمریکا آمد تا ناخشنودی و نقد خود را نسبت به مذاکرات دولت اوباما و ایران (برجام) نشان دهد. در این سخنرانی گفت: «این «گنبد مرمرین» کاپیتول هیل برای اسرائیل سیستم دفاعی «گنبد آهنین» تدارک دیده است. اسرائیل برای دفاع از خود نیازی به آمریکا ندارد.» در جنگ و حمله به ایران به ناگزیر در روز دوازدهم جنگ نتانیاهو دست به دامان ترامپ و امیر قطر و نروژ شد تا جنگ متوقف شود. در سخنرانی نتانیاهو یک جمله کلیدی وجود دارد که در بحث مسیحیت-صهیونیستی با اهمیت است. گفت: «The remarkable alliance between Israel and the United States has always been above politics. It must always remain above politics.»

«اتحاد ممتاز اسرائیل و آمریکا همیشه فراتر از سیاست بوده است. بایست برای همیشه ورای سیاست باقی بماند.» در تفسیر نتانیاهو «این اتحاد به خاطر داشتن سرنوشت مشترک و ارتباط با سرزمین مقدس است.» در واقع نتانیاهو از همان مسیحیت - صهیونیسم سخن گفته است، منتها اندکی در پرده و پوشیده.

مسیحیت صهیونیستی ورای سیاست است. یعنی به آمد و رفت احزاب و دولت‌ها و رؤسای جمهوری ربطی ندارد. حتی در همان موقعیت انتقادی شکل گرفته بین اوباما و نتانیاهو، نتانیاهو از اوباما تجلیل کرد و گفت: «نمی‌تواند خدمات بسیار مهم و حساس و استراتژیک آمریکا به اسرائیل در دوران اوباما را بیان کند. این موارد بایست بین رئیس جمهوری آمریکا و نخست‌وزیر اسرائیل محرمانه بماند.» چنانکه می‌دانیم، معماری تحریم‌ها علیه ایران در زمان اوباما آغاز شد. در آغاز از تحریم هوشمند سخن گفتند و سپس همان تحریم توسعه و تعمیق یافت. حمایت همه جانبه آمریکا از اسرائیل در بین برخی از مسیحیان در آمریکا تبدیل به گرایش با انگیزه دینی شده است. بدیهی است که این گرایش در اتاق‌های فکر سیاسی، نظریه پردازی شده است. وقتی ژوزف بایدن اعلام کرد که «صهیونیست است و برای صهیونیست بودن لازم نیست که یهودی باشد» دیگر صریح‌تر از این نمی‌شد پیوند و یا پیوست آمریکا و اسرائیل را بیان کرد. پروژه صهیونیسم ـ مسیحی از ده‌ها سال پیش طراحی و گام به گام پیش رفته است. تا به جایی رسیدیم که طرفداری آمریکا از اسرائیل تبدیل به امری دینی و الهیاتی می‌شود. اسرائیل از این پدیده برای تحقق اسرائیل بزرگ و بسط سرزمینی و تفسیری تحریف شده که از کتاب مقدس دارد، بهره می‌برد. در واقع اگر برای حمایت بی‌چون و چرا و بی‌حد و حساب از اسرائیل پشتوانه مذهبی سامان داده شود که شده است، سیاستمداران به ناگزیر همین خط مشی را دنبال می‌کنند. دو حزب جمهوری و دموکرات در حمایت همه جانبه از اسرائیل با هم رقابت می‌کنند. به لحاظ سازماندهی سیاسی نیز ده‌ها سال است که لابی صهیونیستی در آمریکا نبض انتخابات کنگره و سنا را در دست دارد، به نامزدهای هر دو حزب کمک می‌کند. افراد خود را به عنوان دستیار و مشاور در دفتر نمایندگان کنگره و سنا سازمان می‌دهد. آن وقت ما از شنیدن مواضع صهیونیستی برخی سناتورها یا نمایندگان کنگره تعجب می‌کنیم. زیرا مسیحیت- صهیونیستی سیمایش آشکار نیست. «صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی!»

ادامه در صفحه ۳